

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جولای ۲۰۲۲

## منشأ انتظارات بیهوده از نظام ملاسالار!

یکشنبه - ۱۲ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: تجمع سه روزه جنایتکاران طالبی و سگان زرین قلاده آنها از قماش "ملا مجیب انصاری" خاتمه یافت. همان طوری که انتظار می رفت این تجمع هیچ نظر و تصمیمی در جهت تأمین منافع مردم و رفاه ساکنان این کشور اتخاذ ننمود. آنچه باعث شده تا مطلب امروز را بنگارم، زارناله های تعدادی از کسانیست که خود را دانشمند و یا آگاه سیاسی هم اعلام می دارند، مگر شکایت دارند که این تجمع خلاف انتظار آنها عمل نموده، انتظارات آنها را برآورده نساخته است. خواندن و شنیدن چنین مطالبی از جانب کسانی که راست یا دروغ عنوان "آگاه سیاسی" را نیز باخود حمل می نمایند به نظر من، بیشتر از محتوا، روند و نتیجه تجمع اهمیت و ارزش برخوردار و نقد را دارد. چه تجمع درست همان را انجام داد که از آن انتظار می رفت، این که کسانی تصامیم آن را خلاف انتظار می دانند، مشکل خودشان است که باید بدان پرداخته شود:

۱- با شناختی که اصولاً از طالب، نظام ملاسالار و مهمانان آن می باید داشته باشیم، تجمع آنها را می توان به دور هم جمع شدن گله ای از گرگان درنده تشبیه نمود که گرد هم جمع شده اند تا مشکلات و دشواری های احتمالی حین دریدن و ربودن شکارهای شان را بررسی و با انتقال و تبادل تجربه، موفقیت شان را در دریدن و پاره کردن طعمه های شان صد درصد تضمین نمایند.

آنهايي که ادعا دارند که گویا فیصله های تجمع ملاها، خلاف انتظار شان بود، مانند آن است که کس و یا کسانی از جمع شکار و یا بیرون از آن بیاید و از مجلس گرگان درنده، انتظار احترام به حق حیات طعمه هایشان را مطرح نماید. هرگاه کسی پیدا شود که چنان انتظاری را از مجلس گرگها "عاقلانه و منطقی" بداند، من هم حاضریم به چنین انتظاری از جمع ملاها حرمت قابل شوم.

۲- از نظر من این انتظارات منشأ واحد نداشته، ضمن آن که می تواند این انتظارات ناشی و برخاسته از کمبود فهم و ده ها عامل دیگر باشد، می تواند ناشی از مؤثریت تبلیغاتی نظام ملاسالار حتا موجودیت افراد نفوذی آنها جهت خلق امید کاذب نیز باشد، از همین رو آن را اندکی باز می نمایم:

\*- ما در فرهنگ پر بار خود داریم "دنیا به امید خورده شده". همین فرهنگ می تواند در ذهن صد ها و هزاران انسان، امید بهبود اوضاع را، زنده نگه دارد و در نتیجه آنها در هر حرکتی امید بهبود اوضاع را در ذهن خود پرورش دهند. آنچه در این میان قابل بحث است، این است که اولاً امید می باید پایه های مادی خود را داشته باشد ورنه چیزی به جز

امید کاذب نخواهد بود، در ثانی وقتی امید پایه های مادی نداشته باشد و همان امید کاذب باشد، برآورده نشدن آن، یأس، حرمان و شکست را در پی خواهد آورد؛

\*- تعدادی از به اصطلاح آگاهان سیاسی جامعه ما که به گفته استاد "موسوی" تا هنوز با وجدان مذهبی و سیاسی گذشته شان تصفیة حساب نکرده اند، پایه انتظارات واهی آنها، توهماتی است که در ذهن شان به جای درک واقعیت از ماهیت طالب و نظام ملاسالار شکل گرفته است. یعنی آنها به جای آن که طالب و نظام ملاسالار را همان طوری که هست، بشناسند و در موردش حکم صادر نموده، انتظارات شان را بر مبنای ماهیت طالب بنیاد بگذارند، بر مبنای شناخت ناقص و متوهم خودشان از طالب، انتظارات ذهنی خودشان را زیر عنوان انتظار از طالب به خورد مردم می دهند. این جمع هیچ نمی خواهند بفهمند که در اساس ترویج چنان انتظاراتی، می تواند بزرگترین مانع در زمینه مبارزه علیه طالب شمرده شود؛

\*- در پی خلق چنین انتظاراتی می تواند، خود طالب و نهادهای استخباراتی مدافع و حامی طالب وجود داشته باشند. یعنی آنها با درک این نکته که حاکمیت دار و تازیانه طالب جامعه را در مسیری قرار داده که دیر یا زود مردم یکپارچه در مقابل تجاوزات، زورگوئی ها، جنایات و عقب مانگی های طالب به پای خواهند خاست و در یک نبرد تعیین کننده طومار ننگین طالب را خواهند چید، برای تضعیف مبارزه و به نحوی خلق امیدواری کاذب به فردا و پس فردا، به این و یا آن جلسه و تجمع، می کوشند تا مردم را از مبارزه به طرف امید های واهی و کاذب سرگردان بسازند.  
هموطنان گرامی!

طالب همان است که بود و همان باقی خواهند ماند که هست. طالب تب نداشت که با گرفتن چند اسپرین و ریختن عرق خوب شده باشد، طالب یک نهاد استخباراتی است که استعمار و ارتجاع در همسوئی و پیوند با یک دیگر، آن را به وجود آورده تا حافظ و حامی منافع استعمار و ارتجاع در افغانستان و منطقه و جهان باشد. طالب زندانی افکار و اعتقادات و برداشت های استخباراتی از اسلام است، او نمی تواند خود را از این زندان رها سازد زیرا خلاف سایر زندانیان که حیات شان با برآمدن از زندان تضمین می گردد، طالب زندانی است که ادامه حیاتش به دوام حصر و حبسش منوط و وابسته می باشد. از همین رو برای طالب ماندن در زندان اعتقادات ساخت نهادهای استخباراتی، علت بقاء و دوام حیاتش می باشد، اگر بخواهد که نمی خواهند و نمی تواند بخواهد از این زندان بیرون شود، دیگر طالب نیست، مرده ایست که دفن آن بر دوش گورکنانش خواهد افتاد.  
هموطنان گرامی!

با حرکت از منظر فوق ما حق نداریم از طالب انتظار دیگری به غیر از آنچه نمودار می گردد داشته باشیم، این را باید متوجه باشیم که در عقب خلق امیدهای کاذب می تواند نهادهای استخباراتی حامی طالب قرار داشته باشد و بخواهد با خلق چنین امیدهای کاذبی ما را از سنگر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ما دور نگه دارند.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**